



بررسی کاربردهای روانشناسی در فرآیند آموزش

مریم ارجمندی

کارشناسی ادبیات زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب

abdolvahab5718@gmail.com

۰۹۱۲۵۲۷۵۷۰۰

چکیده:

از آنجا که دانش آموزان در هر یک از دوره‌های آموزشی، نیازهای ویژه‌ای دارند، بنابراین آشنایی معلمان با خصوصیات رشد و نیازهای فراگیرندگان در هر یک از دوره‌های تحصیلی، می‌توانند در پیشرفت تحصیلی و تکامل شخصیت آن‌ها بسیار موثر باشد. برای تحقق چنین امری معلم باید از کاربرد روانشناسی در آموزش آگاه بوده و به راحتی بتواند اصول و قواعد آن را در کلاس اجرا کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی کاربردهای روانشناسی در فرآیند آموزش و به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. دانش روانشناسی دارای اهمیت اساسی در حل مسائل تدریس و تربیتی است. در این راستا آشنایی با مبانی، ساختار و دیدگاه‌های روانشناسی می‌تواند مسیر جریان تعلیم و تربیت را هموار کرده و مشکلات احتمالی دانش آموزان و مربیان آموزشی را مرتفع سازد.

واژگان کلیدی: آموزش، روانشناسی، دانش آموزان، معلم



۱- مقدمه :

امروزه، با وجود تغییرات بنیادی در ارزش ها و تعاریف، «روح و روان» به مانند گذشته، همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است و کمتر کسی را می توان سراغ داشت که از «علم روان شناسی» بی نیاز باشد. این علم با همه جوانب زندگی ما در ارتباط است. شیوه های تعامل والدین با فرزندان، شیوه های فرزندپروری، درمان مشکلات روانی و خانوادگی، گزینش افراد مناسب برای یک کار، تعلیم و تربیت دانش آموزان استثنایی و ... همه نمونه هایی از مسائل مربوط به روان شناسی است.

جامع ترین تعریف روان شناسی عبارت است از «علم مطالعه رفتار و فرایندهای ذهنی» منظور از «رفتار» در روان شناسی، آن دسته از فعالیت های جاندار است که به وسیله جاندار دیگر یا با دستگاه های آزمایشگاهی قابل مشاهده و اندازه گیری باشد. لانه سازی برخی حیوانات، راه رفتن انسان ها و بسیاری حرکات دیگر نمونه هایی از رفتار است. منظور از «فرایندهای ذهنی» آن دسته از فعالیت های جاندار است که قابل مشاهده مستقیم نیست، ولی می توان آنها را از تأثیرشان در رفتار فرد استنباط کرد، مانند افکار، احساسات و انگیزه هایی که انسان ها در درونشان دارند.

روانشناسی یکی از کارآمدترین دانش های بشری است که شاخه های مختلف آن، همه عرصه ها را در بر گرفته و هم افراد به آن نیازمندند. بخشی از مطالعات و تحقیقات روانشناسی به موضوع آموزش و فرایند یاددهی و یادگیری اختصاص دارد. امروزه بهره گیری از یافته های روانشناسی، رشد چشمگیری پیدا کرده و از جمله، عرصه های آموزشی را نیز در بر گرفته است. مطالعات محققان در این زمینه حاکی از آن است که در دو دهه پایانی قرن بیستم تلاش های بسیاری در دانشگاه ها و مراکز علمی بزرگ، برای بهبود کیفیت آموزش انجام شده است که جهت گیری های عمده در آنها بر مبنای اصلاح ساختار آموزش سنتی و بهره گیری از یافته ها و اصول روانشناختی بوده است. (بازرگان، ۱۳۸۲، ص ۱۱۶) در این میان روانشناسی تربیتی یکی از مهم ترین رشته هایی است که شامل مطالعه نحوه یادگیری افراد، از جمله روشهای آموزش، فرایندهای آموزشی و تفاوت های فردی در یادگیری می باشد. روانشناسی تربیتی شگردهای تربیتی خاصی را در اختیار دارد که همراه نمودنشان با روند آموزش در مدارس، اثرات قابل توجهی را بر رشد دانش آموزان خواهد گذارد.

آقابابایی و همکاران (۱۴۰۲) در بررسی کاربرد روان شناسی در آموزش دوره ابتدایی به این نتیجه دست یافتند که روانشناسی، تشریح کننده تلاش های توصیف کننده هوشیاری، رفتار و تأثیرات متقابل اجتماعی می باشد. معلم با استفاده از اصول روانشناسی می تواند نیاز های دانش آموزان چه از لحاظ جسمی و روانی و چه از لحاظ افزایش یادگیری را بر طرف کند و دانش آموزان را درجهت رشد و شکوفایی هرچه بهتر قرار دهد.

حفظ السان و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی نقش و کاربرد روانشناسی در یادگیری پرداخته و نشان دادند روانشناسی به عنوان علم مرتبط با رفتار و فرایندهای ذهنی انسان، به ما کمک می کند تا درک بهتری از نحوه یادگیری افراد داشته باشیم و روش های بهتری برای آموزش و یادگیری طراحی کنیم. یکی از مفاهیم اساسی در روانشناسی یادگیری، نحوه پردازش اطلاعات است. روانشناسان معتقدند که افراد در فرایند یادگیری اطلاعات را از طریق فرایندهای شناختی مانند توجه، حافظه و استدلال پردازش می کنند. بر اساس این نظریه، طراحی روش های آموزشی که بر اساس این فرایندهای شناختی عمل کنند، می تواند بهبود قابل توجهی در یادگیری دانش آموزان داشته باشد.



شیخ نیا و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیق خود به بررسی نقش روانشناسی تربیتی برای ارتقای آموزش و یادگیری پرداخته و نتیجه گیری کردند در نظام آموزش و پرورش، روانشناسان تربیتی با معلمان، دانش آموزان، مدیران و مربیان سر و کار دارند تا در مورد اینکه چگونه می توانند به افراد کمک کنند تا بهتر یاد بگیرند، تحقیق و بررسی نمایند. همچنین ایجاد برنامه هایی برای کمک به دانش آموزانی که مشکل درسی دارند و ابداع روش های جدید یادگیری از وظایف مهم در رشته روانشناسی تربیتی است.

نتایج پژوهش علی محمدپور و همکاران (۱۴۰۱) پیرامون بررسی نقش روانشناسی تربیتی در آموزش و پرورش نشان داد روانشناسان تربیتی بر روی فناوری های مختلفی که در بحث آموزش استفاده می شود، تمرکز می کنند. این که معلمان چطور برنامه تحصیلی را تدوین می کنند، پلن و سرفصل ها ی تدریس در کلاس چگونه تعیین میشود. دانش روانشناسی تربیتی، دارای اهمیت اساسی در حل مسائل تدریس و تربیت است. روان شناسی تربیتی در بدو تاسیس عمده زمینه های تربیتی را شامل می شد، اما با رشد سایر حوزه های روان شناسی حیطه عمل آن محدود تر گشته و تنها مسائل تربیتی مربوط به شورای آموزشی و آموزش را شامل شد. روانشناسی تربیتی یکی از مهم ترین رشته هایی است که به بحث و بررسی پیشرفت های درسی و نارسائی های تحصیلی یاد گیرندگان می پردازد.

یافته های تحقیق بیات و خراسانی (۱۴۰۱) در مرور سیستماتیک کاربرد روان شناسی در آموزش دوره ابتدایی نشان داد روانشناسی تاثیر بسیار مهمی بر کلاس درس و موفقیت معلم در تدریس می گذارد معلم با استفاده از اصول روانشناسی می تواند نیاز های دانش آموزان چه از لحاظ جسمی و روانی، آسایش و آرامش، کاهش اضطراب در کلاس و چه از لحاظ افزایش یادگیری را بر طرف کند و دانش آموزان را در جهت رشد و شکوفایی هر چه بهتر قرار دهد.

موسوی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی اهمیت دانش روانشناسی در روند تعلیم و تربیت دانش آموزان پرداخته اند. این پژوهش موید تاثیر و پایداری ارایه آموزش الگوهای یادگیری صرف نظر از جنسیت بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد. محیط خانواده بیش از بهره هوشی در موفقیت فرزندان موثر بوده است. باتوجه به یافته ها عوامل فردی، محبت والدین، وضعیت فرهنگی خانواده به طور مثبت با معدل همبستگی دارد.

۲- روش شناسی :

پژوهش حاضر با هدف بررسی کاربردهای روانشناسی در فرآیند آموزش به شیوه توصیفی و از نوع کتابخانه ای انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی از قبیل کتب، مقالات و پایان نامه ها می باشد.

۳- بحث درباره یافته ها

روانشناسی یا علم النفس از دیرباز یکی از شاخه های مهم فلسفه بوده و هر فیلسوف درباره آن اندیشیده و بنا به نگرش فلسفی خود درباره نفس و عقل و قوای درونی نیز مطالبی نگاشته است و نظر فیلسوفان قدیمی بیشتر جنبه عقلی داشته است و تجربه و آزمایش علمی نه تنها در روانشناسی بلکه در هیچ علمی مورد توجه فیلسوفان نبوده و روش کار و تحقیقاتشان جنبه قیاسی و عقلی داشته است. بتدریج که فیلسوفان و اندیشمندان در تحقیقات علمی خود به تجربه علمی گرائیدند و روش استقراء و تجربه و آزمایش را جانشین استدلالهای قیاسی و عقلی محض کردند علوم تحقیقی و تجزیه ای یکی پس از دیگری از فلسفه جدا شدند و روانشناسی نیز از این گرایش به تجربه و آزمایش



بی‌نیصیب نماند و بتدریج خود را از فلسفه کنار کشید و بصورت یک علم درآمد با انواع و اقسام و شاخه‌های بسیار؛ از سال ۱۸۷۹ میلادی دانشمند روانشناس آلمانی ویلهلم وونت آن را به صورت علم مستقلی درآورد و نخستین آزمایشگاه روانشناسی را در دانشگاه لایپزیک دایرکرد و به تحقیق درباره هوشیاری آدمی پرداخت. در کشور ما نیز تا پنجاه سال پیش روانشناسی جزئی از فلسفه بود و برای اولین بار در دارالفنون و سپس در دانشکده ادبیات این علم موردتوجه قرارگرفت و تدریس شد و شاخه‌های مختلف علم روانشناسی ازجمله روانشناسی تربیتی به صورت کاربردی به خصوص در مباحث آموزشی توسعه یافت و موردتوجه قرار گرفت. (امامی، ۱۴۰۰)

۳-۱. دیدگاه‌ها در روانشناسی

همانند سایر حوزه‌های روان‌شناسی، محققان در روان‌شناسی آموزشی هنگام بررسی یک مشکل، دیدگاه‌های متفاوتی را در نظر می‌گیرند. این دیدگاه‌ها بر عوامل خاصی تمرکز می‌کنند که بر یادگیری افراد تأثیرگذار است از جمله رفتارهای آموخته‌شده، شناخت، تجربیات و موارد دیگر.

۳-۱-۱. دیدگاه رفتاری

این دیدگاه نشان می‌دهد که همه رفتارها از طریق شرطی‌سازی آموخته می‌شوند. روانشناسانی که این دیدگاه را در نظر می‌گیرند، برای توضیح چگونگی وقوع یادگیری، به طور جدی بر اصول شرطی‌سازی عامل تکیه می‌کنند. به عنوان مثال، معلمان ممکن است با دادن نشانه‌هایی به دانش‌آموزان که می‌توانند با اقلامی مانند آب نبات یا اسباب بازی مبادله شوند، به یادگیری آن‌ها پاداش دهند. دیدگاه رفتاری بر اساس این نظریه عمل می‌کند که دانش‌آموزان زمانی که برای رفتار "خوب" پاداش می‌گیرند و برای رفتار "بد" تنبیه می‌شوند، یاد می‌گیرند. در حالی که چنین روش‌هایی می‌توانند در برخی موارد مفید باشند، رویکرد رفتاری به دلیل عدم توجه به نگرش‌ها، احساسات و انگیزه‌های درونی برای یادگیری مورد انتقاد قرار گرفته است.

۳-۱-۲. دیدگاه توسعه

این دیدگاه بر چگونگی کسب مهارت‌ها و دانش جدید کودکان در حین رشد تمرکز دارد. مراحل رشد شناختی ژان پیاژه نمونه‌ای از یک نظریه مهم رشدی است که به چگونگی رشد فکری کودکان می‌پردازد. با درک نحوه تفکر کودکان در مراحل مختلف رشد، روانشناسان تربیتی بهتر می‌توانند درک کنند که کودکان در هر مرحله از رشد خود قادر به انجام چه کارهایی هستند. این می‌تواند به مربیان کمک کند تا روش‌ها و مواد آموزشی را با هدف گروه‌های سنی خاص ایجاد کنند.

۳-۱-۳. دیدگاه شناختی

رویکرد شناختی بسیار گسترده‌تر شده است، عمدتاً به این دلیل که عواملی مانند خاطرات، باورها، احساسات و انگیزه‌ها را در فرآیند یادگیری توضیح می‌دهد نه در نتیجه پاداش‌های بیرونی. هدف روانشناسی شناختی این است که بفهمد مردم چگونه فکر می‌کنند، یاد می‌گیرند، به یاد می‌آورند و اطلاعات را پردازش می‌کنند. روانشناسان تربیتی که دیدگاه شناختی دارند، علاقه‌مند به درک این موضوع



هستند که چگونه بچه ها برای یادگیری انگیزه پیدا می کنند، چگونه چیزهایی را که می آموزند به خاطر می آورند و چگونه مشکلات را حل می کنند و...

۳- ۱- ۴. دیدگاه سازنده گرایی

این دیدگاه بر چگونگی، ساختن فعالانه دانش خود از جهان متمرکز است. در واقع سازنده گرایی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی را به حساب می آورد که بر نحوه یادگیری ما تأثیر می گذارد. کسانی که رویکرد سازنده گرایانه را اتخاذ می کنند بر این باورند که آنچه یک فرد از قبل می داند، بیشترین تأثیر را بر نحوه یادگیری اطلاعات جدید دارد. این بدان معنی است که دانش جدید فقط می تواند به دانش موجود اضافه شود و آن را درک کرد. این دیدگاه به شدت تحت تأثیر کار روانشناس لو ویگوتسکی است که ایده هایی مانند منطقه توسعه نزدیک و داربست آموزشی را ارائه کرد.

۳- ۱- ۵. دیدگاه تجربی

این دیدگاه تأکید می کند که تجارب زندگی خود شخص بر نحوه درک اطلاعات جدید تأثیر می گذارد. این روش شبیه دیدگاه های سازنده و شناختی است که تجربیات، افکار و احساسات یادگیرنده را در نظر می گیرد. این روش اجازه می دهد تا به جای اینکه احساس کند اطلاعات در مورد آنها صدق نمی کند، معنای شخصی را در آنچه می آموزد بیابد.

۳- ۲. روانشناسی و نقش آن در آموزش

علم روان شناسی مفاهیمی همچون ادراک، شناخت، تمرکز، توجه، احساسات، پدیده شناسی، انگیزه، کارکرد ذهن، شخصیت، رفتار، روابط بین فردی، خانواده و دیگر زمینه ها را مورد بررسی قرار می دهد.

۳- ۲- ۱. اهداف روان شناسی

روان شناسی در زمینه های گوناگون، مانند چگونگی ادراک، پیش بینی رفتار دیگران، دگرگونی های رفتار، آشنایی با شیوه های حل مسئله، ترمیم آسیب های روانی و حل دشواری های زندگی، ما را یاری می دهد. به این ترتیب، هدف های مهم روان شناسی عبارت اند از:

توصیف رفتار: توصیف و سنجش رفتارها در شرایط مختلف؛

تبیین رفتار: توضیح علل رفتار و نتیجه گیری منطقی از چگونگی آن برای پی بردن به واقعیت ها؛

پیش بینی رفتار: پیش بینی نتایج رفتارها براساس اطلاعات موجود از عملکرد گذشته؛

کنترل رفتار: مهار و کنترل رفتارها برای تسلط بر امور و دستیابی به موفقیت در کارها؛

اصلاح رفتار: حل دشواری های رفتاری در زندگی فردی و اجتماعی.



زیر شاخه های روانشناسی اعم از روانشناسی رشد و تربیتی کاربرد گسترده ای در فرآیند آموزش دارند. اصول روانشناسی تربیتی به معلمان کمک می کنند که نقاط قوت، ضعف، تاریخچه یادگیری و انگیزه ی محصلان را در زمینه های اجتماعی و محیطی درک نمایند. (اهمیت استفاده از روانشناسی در کلاس ، ۱۴۰۲) روانشناسی تربیتی در واقع مطالعه چگونگی یادگیری روش های تدریس، فرآیندهای آموزشی و تفاوت های فردی است. هدف از درک چگونگی یادگیری، حفظ اطلاعات افراد است. این شاخه از روانشناسی شامل فرایند یادگیری در اوایل دوران کودکی و نوجوانی، فرآیندهای اجتماعی، عاطفی و شناختی است که در کل طول عمر در یادگیری نقش دارند. رشته روانشناسی تربیتی تعدادی رشته دیگر از جمله روانشناسی رشد، روانشناسی رفتاری و روانشناسی شناختی را نیز در بر می گیرد.

روانشناسی تربیتی یک زیر شاخه نسبتاً جوان است که رشد فوق العاده ای را تجربه کرده است. روانشناسی تا اواخر دهه ۱۸۰۰ به عنوان یک علم جداگانه ظاهر نشد، بنابراین علاقه قبلی به روانشناسی تربیتی عمدتاً توسط فیلسوفان تربیتی تقویت شد. آغاز روان شناسی تربیتی را باید بین سال های ۱۸۸۰ و ۱۹۰۰ دانست. در این دو دهه است که تحقیقات تجربی در مورد خصوصیات انسان و قدرت های ذهنی او شروع گردید. این تحقیقات به سه دسته اندازه گیری، روان شناسی کودک و یادگیری تقسیم می شوند. (مک دانلد، ۱۳۶۶، ص ۱۰)

۳-۳. کاربرد روانشناسی در آموزش

به طور کلی تدریس در کلاس درس، یک فعالیت آگاهانه و برنامه ریزی شده است که توسط معلم در جهت نیل به اهداف خاصی طراحی و تدوین می شود. معلم برای کسب موفقیت در تدریس باید از نظریه های نوین آموزشی، روانشناسی یادگیری و تربیتی، اطلاعات و آگاهی لازم را داشته باشد. روش تدریس معلم باید با اصول و اهداف آموزش و پرورش و ویژگی های دانش آموزان هماهنگ باشد تا بتواند ضمن جهت دادن به فعالیت های آموزشی خود، دانش آموزان را به سوی اهداف تعلیم و تربیت هدایت کند. اگر معلم خواهان آن است که کارایی و موفقیت بیشتری در تدریس داشته باشد، باید ضمن مهارت و تسلط بر محتوای درسی به نکات ظریف و حساس روانشناسی (یادگیری و تربیتی) به طور دقیق توجه کند.

از آنجا که فراگیرندگان در هر یک از دوره های آموزشی، نیازهای ویژه ای دارند، بنابراین آشنایی معلمان با خصوصیات رشد و نیازهای فراگیرندگان در هر یک از دوره های تحصیلی، می توانند در پیشرفت تحصیلی و تکامل شخصیت آن ها بسیار موثر باشد. برای تحقق چنین امری معلم باید از کاربرد روانشناسی تربیتی در آموزش آگاه بوده و به راحتی بتواند اصول و قواعد آن را در کلاس اجرا کند. یکی از نظریه های بسیار مفید در این مورد، نظریه انگیزه «مازلو» است که این امکان را به معلم می دهد که از وضع نیازهای اولیه شاگردان خود اطلاع داشته باشد و نسبت به رفع آن ها اقدام های لازم را انجام دهد. کاربردهای نظریه انگیزش مازلو در تدریس بسیار امیدوارکننده است. یکی از کاربردهای کاملاً عملی این است که معلم باید تمامی توان خود را به کار گیرد تا مطمئن شود که نیازهای فروتر دانش آموزان ارضاء شده است تا بدین تربیت احتمال پرداختن آن ها به نیازهای عالیتز بیشتر شود.

۳-۳-۱. اداره و مدیریت کلاس

از نیازهای اولیه شاگردان آن است که از لحاظ بدنی دارای وضع مناسبی باشد، احساس امنیت و احترام کند و اطمینان یابد که مورد توجه و علاقه دیگران است. از آنجا که توجه به نیازهای جسمانی و فیزیولوژیک دانش آموزان هنگام یادگیری بسیار مهم است، معلم باید به وضع بدنی آن ها رسیدگی کند و توجه داشته باشد که ممکن است دانش آموزان گرسنه یا تشنه باشند. از این رو باید به آن ها فرصت داده



شود تا بتوانند به رفع نیازهای خود بپردازند و محیط کلاس را طوری ترتیب دهد که شاگردان از لحاظ جسمانی و روانی آسایش و آرامش داشته باشند و مهم‌تر از همه به این نکته پی ببرند که معلم به آن‌ها علاقه‌مند و خواهان موفقیت آنان است. اگر نیازهای پایین‌تر دانش‌آموزان به خوبی برطرف شود، آن‌ها آمادگی بیشتر و بهتری برای یادگیری پیدا خواهند کرد. (گوهری، ۱۳۹۲)

۳-۲-۳. تربیت اثربخش در مدرسه

دانش‌آموزان باید از لحاظ نشستن در کلاس راحت باشند و فضای مناسب برای کار و آزمایش داشته باشند. نحوه قرار گرفتن صندلی‌ها باید طوری باشد که موجب حواس‌پرتی آن‌ها نشود. محیط فیزیکی کلاس و جو حاکم بر آن به گونه‌ای نباشد که دانش‌آموزان به‌طور مدام منتظر فرار و گریز از مدرسه باشند. دانش‌آموزان با تفاوت‌های فردی قابل ملاحظه‌ای وارد مدرسه می‌شوند، این وظیفه معلم است این تفاوت‌ها را شناسایی کند و تدریس خود را به فراخور استعداد و توانایی آن‌ها ارایه دهد. تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان یکی از مهم‌ترین مسائل در کلاس درس است که معلم باید توجه خاصی به آن داشته باشد و فرآیند یاددهی - یادگیری کلاس را طوری تنظیم کند تا تمامی دانش‌آموزان به تناسب آمادگی ذهنی خود بتوانند از آن استفاده کنند.

معلم باید از معایب و مضرات رقابت بیش از حد آگاه باشد و با درنظر گرفتن آثار مخرب آن، از ایجاد چنین رقابتی در میان دانش‌آموزان خودداری و تلاش کند زمینه همکاری دانش‌آموزان را فراهم سازد، که این همکاری می‌تواند از طریق شوراهای مختلف صورت گیرد. دانش‌آموزان نیاز دارند در زمینه‌های گوناگون پیشرفت کنند و از این طریق امیال و نیازهای خود را برطرف کنند. برای پیشرفت بهتر آموزش و پرورش و جلب همکاری شاگردان، معلم بیش از همه وظیفه دارد نگرش‌های علمی، اجتماعی و اخلاقی مطلوب را در شاگردان به وجود آورد. معلم باید آگاه باشد، که مقایسه کردن دانش‌آموزان با یکدیگر از لحاظ تربیتی چندان مناسب نیست و نباید این کار را انجام دهد، بلکه باید سعی کند دانش‌آموزان را در جهت نیل به هدف‌های فردی یاری رساند. جو کلاس هم باید طوری باشد که دانش‌آموزان بدانند چه وظیفه‌ای دارند و چه انتظاری را باید برآورده کنند. دانش‌آموز نباید در کلاس دچار نگرانی و تشویش شود. همچنین اعمال و رفتار معلم در کلاس درس، نباید بیش از حد تهدیدکننده و ملال‌آور باشد. اجبار کردن دانش‌آموزان برای شرکت در یادگیری جایز نیست، بلکه باید موقعیت‌های یادگیری و آموزش‌های کلاسی به گونه‌ای تنظیم شود که دانش‌آموزان با آمادگی و رغبت کامل در فرآیند یاددهی - یادگیری شرکت کنند. این کار باعث می‌شود آن‌ها به نوآوری و خلاقیت گرایش بیشتری پیدا کنند.

معلم باید اهمیت و ارزش‌های یادگیری را به دانش‌آموزان یادآوری کند و با ارایه مثال‌هایی به آن‌ها نشان دهد آموختن و یادگیری در چه مواقعی می‌تواند به کمک آن‌ها بیاید. معلم باید در محیط کلاس به اندازه کافی بلند و رسا صحبت کند تا تمامی شاگردان بتوانند صدای او را به خوبی بشنوند. آرام صحبت کردن معلم در کلاس باعث می‌شود بسیاری از دانش‌آموزان از یادگیری و آموختن باز بمانند.

یکی از موضوعات مهم در بحث روانشناسی تربیتی، مفهوم انگیزه است. آشنایی با روش‌های ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان و تأثیر عوامل مختلف بر افزایش یا کاهش انگیزه، از جمله کاربردهای علم روانشناسی تربیتی است.

انگیزه به دو صورت است: درونی و بیرونی.



معلم باید سعی کند انگیزه درونی شاگردان را افزایش دهد و انگیزه بیرونی آن‌ها را به حداقل برساند. البته معلم نمی‌تواند همیشه دانش‌آموزان را در بالاترین درجه انگیزش، به یادگیری وادارد ولی باید بکوشد در حد امکان از شکست‌های درسی آنان جلوگیری کند تا دانش‌آموزان به یادگیری و انجام تکالیف درسی بیشتر علاقه‌مند شوند.

یکی از روش‌های موثر در ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، تشویق لفظی است که به ویژه در کودکان خردسال کاربرد بیشتری دارد. وقتی دانش‌آموزان بر مفهوم و مطلبی تسلط پیدا می‌کنند و یا در زمینه‌های گوناگون اطلاعاتی را به‌دست می‌آورند، باید مورد تقدیر و تشویق معلم قرار گیرند. زیرا این کار باعث می‌شود علاقه و انگیزه آن‌ها نسبت به یادگیری بیشتر شود.

یافته‌های پژوهشی تأیید می‌کنند معلم می‌تواند تحسین و تشویق را به عنوان یک عامل مثبت به کار گیرد و موجب پیشرفت‌های آموزشی شاگردان شود. همچنین معلمانی که با دقت و دلسوزی به کار آموزشی می‌پردازند، بازده شاگردانشان خیلی بهتر از آن‌هایی است که توجه و احساس مسئولیت نمی‌کنند. معمولاً دانش‌آموزان دارای علایقی هستند که معلم باید نسبت به علایق آن‌ها توجه کافی کرده و با مهیا کردن زمینه‌های مناسب، شاگردان را به سوی یادگیری‌های جدید سوق دهد و به خصوص انگیزه و شوق آن‌ها را در آموختنی‌هایی که بسیار مفید و ارزشمند بوده ولی ظاهراً جاذبه‌ای ندارند، جلب کند.

معلم باید در مورد اثرات پاداش دقت و توجه لازم را داشته باشد و با ایجاد موقعیت‌های تحریک‌کننده و استفاده از عوامل متفاوت و انگیزه‌های متعدد، دانش‌آموزان را به سوی یادگیری هدایت کند. اما اگر معلم بخواهد پیوسته به یک نوع تقویت در یادگیری توجه کند و یا بیش از حد آن را به کار گیرد، ممکن است دانش‌آموزان از پاسخ دادن به آن امتناع ورزند.

۴- نتیجه گیری

موضوع آموزش با کیفیت بحث پیچیده‌ای است که بهبود آن در نظام‌های آموزشی متأثر از عوامل متعددی است که از جمله مهم‌ترین این عوامل «معلم» می‌باشد. معلم از طریق تدریس محتوای برنامه درسی، اجرای مطلوب فعالیت‌های یادگیری، استفاده بهینه از مواد و منابع، در نظر داشتن زمان و مکان در دسترس، گروه بندی کردن دانش‌آموزان و بهره‌گیری از روش‌های مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، زمینه را برای تحقق حداکثری اهداف برنامه درسی فراهم می‌کند. آشنایی معلمان با خصوصیات رشد و نیازهای فراگیران در هر یک از دوره‌های تحصیلی می‌تواند در پیشرفت تحصیلی و تکامل شخصیت آنان بسیار موثر باشند. برای تحقق چنین امری معلم باید از کاربرد روانشناسی تربیتی در آموزش آگاه بوده. به راحتی بتواند اصول و قواعد آن را در کلاس اجرا کند. روان‌شناسی تربیتی نقش عمده‌ای در شناخت دانش‌آموزان، تربیت معلمان و طرح و اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی به عهده دارد. تدوین و طرح ریزی محتوای آموزش در سال‌های مختلف تحصیلی بر پایه اصول و کشفیات روان‌شناسی تربیتی، آشناسازی معلمان با شیوه‌های نوین تدریس که حاصل پژوهش‌های روان‌شناسی تربیتی است و کاربرد دیگر یافته‌های تربیتی در شرایط آموزشی به بهبود عملکرد یادگیرندگان و در نتیجه رسیدن به اهداف جزئی و کلی تربیتی در سطح فردی و اجتماعی خواهد شد.

منابع

آقابابایی، مبینا و عباسی، حدیث و سیاح نژاد، زهرا و حیدری کیا، مریم. (۱۴۰۲). بررسی موثر کاربرد روان‌شناسی در آموزش دوره ابتدایی، پانزدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران



امامی ، رحمان . (۱۴۰۰) . نقش روانشناسی تربیتی در اثربخشی و ارتقاء فعالیت های آموزشی ،
<https://www.assc.ir/fa/article/50133>

اهمیت استفاده از روانشناسی در کلاس . (۱۴۰۲) ، [/https://haftad.org/use-of-teachers-in-the-classroom](https://haftad.org/use-of-teachers-in-the-classroom) ،

بازرگان، زهرا. (۱۳۸۲) . رویکردهای نوین در مدیریت آموزشی، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۲

بیات، محمدحسین و خراسانی، علیرضا. (۱۴۰۱) . مرور سیستماتیک کاربرد روان شناسی در آموزش دوره ابتدایی، اولین کنفرانس ملی تازه های روانشناسی تکاملی و تربیتی، بندرعباس

حفظ السان ، محمدرضا ، آقازاده ، نسیم ، نیکپور ، محدثه ، فلاحی دخت ، زهره . (۱۴۰۲) . نقش و کاربرد روانشناسی در یادگیری ، اولین همایش بین المللی معلمان برتر و مدارس پیشرو در هزاره سوم

شیخ نیا، محمدمهدی ؛ خواجه اورسجی، فاطمه ؛ مهتدی، عارف ؛ قادری، سجاد . (۱۴۰۲) . نقش روانشناسی تربیتی برای ارتقای آموزش و یادگیری ، چهاردهمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران

علی محمدپور ، علی ، محمودزاده ، حسین ، آقازاده ، سجاد ، بیگلو ، صادق . (۱۴۰۱) . نقش روانشناسی تربیتی در آموزش و پرورش ، هفتمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی ، علوم اجتماعی ، علوم تربیتی و آموزش ، گرجستان

گوهری ، نسیم . (۱۳۹۲) . ویژگی های دانش آموز در دوره ابتدایی ، [/https://article.tebyan.net/265907](https://article.tebyan.net/265907) ،

مک دانلد، فردریک. (۱۳۶۶) . روان شناسی تربیتی، ترجمه زهره سرمد، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول

موسوی، سید سعید و قربانی، حسن و مکاره چی، الهام و قدرتی، سمیرا . (۱۳۹۶) . اهمیت دانش روانشناسی در روند تعلیم و تربیت دانش آموزان، اولین همایش ملی علوم اجتماعی، علوم تربیتی، روانشناسی و امنیت اجتماعی، تهران